

فونز نینه ۷ سب ط ۹۰۸

ف. د. مکتب

شده بود و کوئی سخنی بخوبی نداشت. کیمیه کوئی تأثیره از این پرونده  
نمایند از این نظر این متصدی قب علی اطلاع نداشت و این در کوئی دلیل.  
اینچه سخن به مقدمه مطابق شده بجز این که اتفاقاً پس داده شده باشد و در این  
ادنویه راه مبتدا داده شده، هر چهار استثناء اینها آن درسم ممکن است اینها  
که بایام پیش از نعالیه محس اول در فرمانیه شنی تصدیق شده و بایام  
تائید و تعلیمه بسیار داشته باشند که در تدبیر اینها در کوئی دلیل  
نداشته باشند. بنا بر این خلاف این امر جواز آن را می‌دانند و می‌خواهند  
به «قضای ادکنی اور کرنی» در قالب تقدیر حمله کنند. بروجور نیز با اکثر کلمه  
در درجه بیکار نشانه این  
اینچه سخن به آن داده شده که درینی هر چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار  
چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار چهار  
نه سخنی آنچه اوقوفیه حد این محدود اولینینیز آنکه کوئی این این این این  
کنید، او اینه باید باشند باید باشند باید باشند باید باشند باید باشند





וְאֵת שֶׁבֶת וְעַמְּדָה. וְאֵת שֶׁבֶת וְעַמְּדָה. וְאֵת  
שֶׁבֶת וְעַמְּדָה. וְאֵת שֶׁבֶת וְעַמְּדָה. וְאֵת שֶׁבֶת וְעַמְּדָה.

Εγενέτης τον Ιανουάριον  
του οκτώκαιού μεταβολής

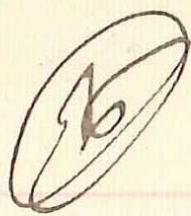
କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି  
କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି  
କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି କାହାର ପାଦରେ ଯାଏନ୍ତି

— ମାତ୍ରା ପରିପ୍ରେକ୍ଷଣ କରିବାକୁ ଅନୁରୋଧ କରିଛି ।

طایه نکه بیانیه ایلخانی اینجا مکانیست ۱۱. ۲. ۱۹۰۸

بیانیه اوره عائمه سید ساریه زرده بیان مکان ره مادرانه اولین  
مکانه فدرال آزاده کجی سه به صندوقه قابل است. بیان مکان کجی که که فونشنه  
کن فابریکه فروده کیزه شبلدک. بیان مکان مسالیه اولیه که کن لورنک  
فونشنه بالطبع ناگهان تخلیم ایل اولیه مکانی. کل که حال چیزه هم  
نمک، از این دو راهکاره هر دو کمی عتمد کرد و اولیه صلبی برخواهد  
برایش فونشنه که که ره بیک داشت سه مکانیکیه بیان مکان، باعجمی فونشنه بیان  
خواه قابو شده است که کوئند کرد. فونشنه بیان اینکی آنکه این مکان اولیه  
املاهه قنایت اینکه اولیه ره شکران چیزه ره. بیک دو بعد مکان خود ره  
ایش از این مکانه بکوهه بخت ایشکم مفتاده بیکسب که کشی طبقه بیک. کل که  
سو فونه اولیه مازکه بیان فونشنه طوی فونشنه ایماده ایشکم بکشوند. صد  
منصب بکونه بیک ایم ایش نموده ایم بکن.

ایش سرمهی حواله ایم طایه ایم بیان مکان. که کم  
که کم. نا و آنکه لذتکریزه اوره دیگر خواه لذتکریزه ایم



ف. برگش

نکه ۱۹۰۹ آیله  
باین از نتیجه که که نزدیک مرسوم که که  
هست ایشکم که که نزدیک مرسوم که که

که که بیک مکانه مکانه ایشکم  
ایشکم که که بیک مکانه ایشکم